



پیش نیازهای شناخت و فهم اخلاقی؛ نسبت تعبد و شناخت اخلاقی

کسی که از توانایی شناخت و فهم اخلاقی برخوردار است ...

خبرگزاری مهر- کسی که از توانایی شناخت و فهم اخلاقی برخوردار است و در برابر وحی الهی تعبد دارد، نمی تواند در همه موارد، وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهد؛ زیرا استنباط وظیفه اخلاقی از کتاب و سنت مستلزم آشنایی با کتاب و سنت و نیز روشهای استنباط حکم رفتارهای گوناگون اخلاقی از منابع اسلامی است. هدف غایی تربیت اخلاقی در سیره معصومان(ع) نه امری بسیط که مرکب است و از اجزا و عناصری تشکیل شده است. این اجزا و عناصر عبارتند از: پرورش فضایل و از میان بردن رذایل، و پرورش فهم و تعقل اخلاقی.

در واقع هدف غایی تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) پرورش افرادی است که بتوانند مستقلاً با استفاده از قوه تفکر و تعقل و با مراجعه به کتاب و سنت یا با مراجعه به مراجع باصلاحیت و موثق رفتار درست را از نادرست تشخیص دهند و بدون تأثیرپذیری از میلها و گرایشهای درونی و بدون توجه به موانع بیرونی به وظیفه اخلاقی خود عمل کنند.

با توجه به هدف غایی می توان گفت اهداف واسطی تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) عبارتند از:

-پرورش توانایی شناخت اخلاقی متربی؛

-پرورش روحیه تعبد در برابر وحی الهی(کتاب و سنت)؛

-پرورش و تقویت مهارت لازم برای کشف و استنباط وظیفه اخلاقی خود از کتاب و سنت، یا پرورش مهارت لازم برای تشخیص مراجع صلاحیتدار و موثق و مراجعه به آنها برای تشخیص وظیفه اخلاقی خود؛

-حاکمیت بر هواهای نفسانی؛

-اعتماد به نفس و توانایی مخالفت با جامعه در مواردی که میان وظیفه اخلاقی او و جامعه تعارضی پیش می آید.

پرورش توانایی شناخت اخلاقی لازم است؛ زیرا بدون این توانایی، متربی به استقلال یا با مراجعه به مراجع موثق و باصلاحیت، نمی تواند خوب را از بد و درست را از نادرست تشخیص دهد.

اما از آنجا که عقل انسان نمی تواند به تنهایی و بدون مراجعه به کتاب و سنت در همه موارد، درست را از نادرست و خوب را از بد تشخیص دهد، ضروری است متربی چنان تربیت شود که ضعف توانایی عقلانی انسان را درک کند و بپذیرد که برای کشف راه درست و رفتار درست، چاره‌ای جز پذیرش هدایت وحیانی که در کتاب و سنت تجلی کرده، ندارد.

البته باید توجه داشت که منظور از تعبد در برابر هدایت الهی، تعبد در برابر مطالبی است که یقین داریم از جانب خداوند متعال بیان شده است و شامل مطالبی نمی شود که به دین منتسب هستند، اما صحت انتساب آنها روشن نیست.

کسی که از توانایی شناخت و فهم اخلاقی برخوردار است و در برابر وحی الهی تعبد دارد، نمی تواند در همه موارد، وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهد؛ زیرا استنباط وظیفه اخلاقی از کتاب و سنت مستلزم آشنایی با کتاب و سنت و نیز روشهای استنباط حکم رفتارهای گوناگون اخلاقی از منابع اسلامی است.

اگر متربی این سه توانایی و مهارت را کسب کرده باشد، می تواند مستقلاً با استفاده از عقل و وحی وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهد. ولی از آنجا که همه اشخاص توانایی یا فرصت لازم برای کسب مهارت و توانایی سوم را ندارند و از سوی دیگر نمی توانند از انجام وظایف اخلاق خود شانه خالی کنند لازم است توانایی تشخیص و نیز مهارت چگونگی مراجعه به مراجع باصلاحیت و موثق را داشته باشد تا در مواردی که خود از تشخیص وظیفه اخلاقی خود عاجز می شوند، به آنان مراجعه کنند و وظیفه اخلاقی خود را بدانند.

تا اینجا سخن از شناخت اخلاقی بود. برای عمل به شناخت اخلاقی و دستیابی به استقلال در مقام عمل، ضروری است متربی چنان

پرورش یابد که نوعی انضباط در رفتارهای او حاکم شود.

همچنین لازم است اعتماد به نفس نیز در مربی پرورش داده شود تا در مواردی که میان وظیفه اخلاقی او و خواسته جامعه تعارضی رخ می دهد، بتواند با جامعه مخالفت کرده و پیامدهای آن را تحمل کند.